



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

اوصاف نخبگان در دولت علوی

درس هایی برای امروز

جمهوری
معاونت سیاسی
صدا و سیما

فرآورده های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:
وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- 1 ■ نکات برجسته:
- 2 ■ مقدمه
- 3 ■ اوصاف دولتمرد علوی: رویکرد ایجابی
- 6 ■ اوصاف دولتمرد علوی: رویکرد سلبی
- 8 ■ نتیجه‌گیری: کاربرست اوصاف نخبه مطلوب در حکومت علوی در دوران ما



شناخت مختصات حاکمان در دولت علوی شناسه مناسبی برای عیارسنجی میزان انطباق شرایط زمامداران عصر حاضر با گفتمان علوی است. شناخت سیره علوی می‌تواند اولاً در جهت مراقبت و حراست از جمهوری اسلامی از آفات و بلیات و انحرافات سودمند باشد و دوم اینکه بازخوانی سیره معصومین آئینه روشنی فراراه همگان در مسیر رسیدن به حیات طیبه و الگوی مطلوب زندگی سیاسی است. نخبه سیاسی دولت علوی را می‌توان از منظر صفات ثبوتی و سلبی آنان شناخت. از منظر امام علی نخبه سیاسی باید دارای صفاتی چون عدالت و تقوا، امانت داری و شجاعت و کاردانی و ساده زیستی و پاسخ گویی و مردم گرایی باشد و از صفاتی چون تجمل گرایی، رشوه پذیری، تملق و چابلوسی، خشم و غضب و غرور و ظلم و ستم به دور باشد. مجموعه این صفات راهنمای مناسبی برای عصر حاضر است تا مدیران خود را به اوصاف ثبوتی بیارایند و از آسیب‌ها دور نگه دارند.

بی‌شک آموزه‌ها و درس‌های علوی برای ادامه مسیر پرتلاو انقلاب اسلامی و به خصوص گام دوم آن بسیار ارزشمند و قابل تحقق است. گفتمان ساده زیستی و حفظ و صیانت از بیت المال، مبارزه جدی با نمادهای اشرافی‌گری و تجمل و ... درس‌هایی است که می‌تواند سرلوحه عمل مدیران، کارگزاران و نخبگان سیاسی باشد.

انقلاب اسلامی گامی بلند برای بازسازی سامان سیاسی جامعه بر اساس آموزه‌های اسلامی است. در واقع مقایسه دوران پهلوی با عصر جاهلیت قبل از اسلام و نیز با نمونه‌های انحراف و فساد سیاسی در جامعه پس از رسول اکرم از جمله در دوره معاویه و شناخت سیره علوی می‌تواند اولاً در جهت مراقبت و حراست از جمهوری اسلامی از آفات و بلیات حکومت‌های انحرافی سودمند باشد و دوم اینکه بازخوانی سیره معصومین آینه روشنی فرا راه همگان در مسیر رسیدن به حیات طیبه و الگوی مطلوب زندگی سیاسی است. نگاهی به برخی آسیب‌ها و مشکلات جمهوری اسلامی به خصوص در سالیان اخیر گویای آن است که برخی از آفات و مشکلاتی که جامعه قبل و بعد از عصر رسول اکرم صلوات... علیه گریبان‌گیر جامعه شد به منزله آفت و خطر، جمهوری اسلامی را نیز تهدید می‌کند در این راستا بازخوانی سیره علوی و الگوی رفتاری ایشان در نخبه پروری و شناخت نخبگان سیاسی تراز حکومت علوی می‌تواند در آسیب شناسی و آفت شناسی وضع موجود و عبور از بلیات و مشکلات؛ که نظام اسلامی با آنها دست به گریبان است، سودمند باشد. از این رو نوشتار حاضر در صدد است با بازخوانی اندیشه و نظرگاه امام علی علیه السلام درباره اوصاف نخبگان سیاسی به شناسه‌ای از نخبه مطلوب گفتمان علوی برای تمیز دادن و شناخت حق از باطل درباره زمامداران و ارائه درس‌ها و رهنمودهایی برای هشداردهی و اصلاح رویه‌ها و روندهای موجود در ارتباط با نخبگان سیاسی بپردازد. در واقع بر مبنای تجربه چهل ساله جمهوری اسلامی ایران می‌توان انتظار داشت تا الگوی پرورش و گزینش نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های اسلامی شناخته شود. توجه به مقوله پرورش نخبگان و قرار گرفتن انسان‌های شایسته و توانمند در فرآیندهای کلان تصمیم‌گیری و مناصب سیاسی و اجرایی یکی از موضوعات بسیار مهم و راهبردی در نظام‌های سیاسی معاصر است که توسعه، پیشرفت و کارآمدی را در دستور کار خود قرار داده‌اند.¹ هر نظام سیاسی تلاش می‌کند کارگزاران و نخبگان سیاسی خود را بر مبنای مطلوبیت‌های عینی و نظری خود شناسایی کند و پرورش دهد. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی که بر مبنای آموزه‌های دینی و اندیشه سیاسی اسلام پایه‌ریزی شد، این مسئله وجود داشته که نخبگان سیاسی در تراز این نظام چه کسانی هستند؟ چه ویژگی‌ها و مولفه‌هایی دارند و چگونه شناسایی، پرورش و به کار گرفته می‌شوند. مسلماً یکی از منابع و سرچشمه‌های اصلی برای رسیدن به این هدف آموزه‌های امام علی علیه السلام است؛ از این منظر فرا رسیدن عید غدیر را می‌توان فرصتی مبارک برای بازخوانی این جنبه از سنت و سیره علوی دانست.

¹ محمد مهدی انصاری "الگوی پرورش و گزینش نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران" رساله دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی 1393

■ اوصاف دولتمرد علوی: رویکرد ایجابی

انسان موجودی مدنی است و این امر او را به زندگی اجتماعی وا می‌دارد. ایجاد حکومت در شمار ضروری‌ترین پایه‌های زندگی اجتماعی است و در هر شکل از حکومت یک واقعیت نهفته است و آن فرمانروایی اقلیت حاکم بر اکثریت شهروندان است.

حاکمان و مدیران جامعه به عنوان مجریان سیاست و مدیریت در جامعه نقش اساسی در پیشرفت یا انحطاط جامعه دارند که در بعد اخلاقی و سیاسی همواره در معرض خطرات و آسیب‌هایی قرار دارند. تقوا و ایمان، اصالت خانوادگی، سابقه روشن و درخشان، شجاعت و تجربه کاری و ... به عنوان معیارهای گزینش حکومتی مطرح است. برخی از توصیه‌های امام علی (ع) به کارگزاران از این قرار است: تقوا، عدالت، زهد، مدارا با مردم، رازداری و حفظ اسرار مردم، نصیحت و نقدپذیری.^۱

سیاست به معنای تدبیر و مدیریت است و رشد به معنای نمو و به سامان آمدن. صفات و نشانه‌های رشد مدنظر مولای متقیان علی (ع) در حوزه عملی و نظری در جامعه همچون بصیرت سیاسی و تبعیت از قرآن و اهل بیت (ع) و اتحاد و استقلال اندیشه و رای در مسائل سیاسی و ... را باید تمام جامعه داشته باشند. شاخص‌های رشد یافتگی سیاسی خاص و زینده حاکمان سیاسی نیز عبارتند از ارزش نهادن برای افکار عمومی. نقدپذیری، رأفت اسلامی نسبت به مردم و شرح صدر سیاسی و همدردی مردم و حاکمان است.^۲

در دیدگاه امام علی (علیه السلام)، فلسفه حکومت احیای حق، انهدام باطل و رساندن انسان از خاک به خداست. این آرمان والا جز با حکومت صالحان تحقق نمی‌یابد. روشن است که امام باید کارگزاران خویش را از میان بهترین‌ها و نخبگان انتخاب کند تا اشتباهات و انحرافات احتمالی به حداقل برسند. از این رو، نخستین اقدام حکومتی امام پس از بیعت مردم، جابه جایی و عزل و نصب وسیع مدیران اجرایی نظام پیشین بود. معیارهای امام (علیه السلام) برای انتخاب کارگزاران در رده‌های گوناگون، برگرفته از متن دین و مورد رضای خدا و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود.

می‌توان گفت تعیین دولتمرد شایسته جهت گماردن به منصبی از مناصب حکومتی از اصول اولیه نظام سیاسی شیعه بوده و شایسته سالاری در این میان از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ به گونه‌ای که حضرت علی علیه

^۱ راضیه نظام محله "آسیب شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران از منظر نهج البلاغه" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، 1393

^۲ محمد مهدی احمدی خواه "شاخص‌های رشد سیاسی در نهج البلاغه" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده علوم حدیث قم، 1395

السلام مقدم داشتن افراد ناشایست در قبال افراد شایسته را زمینه افول و نابودی حکومت معرفی می‌نماید و شرایط ویژه انتصاب کارگزار را این چنین تبیین می‌کند:

«آنان را بر اساس خبرویت و شایستگی به کار بگمار و از روی روابط و امتیازات نابجا، آنان را به کار نگیر در انتخاب این افراد هرگز به فراست و خوش بینی و خوش گمانی خود تکیه مکن؛ چرا که مردان زرنگ، طریق جلب نظر و خوش بینی زمامداران را با ظاهرسازی و تظاهر به خوش خدمتی خوب می‌دانند؛ در حالی که در ورای این ظاهر جالب، هیچ گونه امانت‌داری و خیرخواهی وجود ندارد؛ بلکه آنها را از راه آن چه که حکومت صالح قبل از تو داشته‌اند بیازمای. بنابراین به کسانی اعتماد کن که در میان مردم، خوش سابقه‌تر و در امانت‌داری معروفند.»^۱

در عهدنامه مالک اشتر برای هر صنفی از مسئولان حکومت، ویژگی‌های خاصی را برشمرده است؛ مثلاً، درباره صفات فرماندهان نظامی می‌فرماید: «برای فرمان‌دهی سپاه، کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، و شکیبایی او برتر باشد، و از کسانی که دیر به خشم آید، و عذرپذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در نظامیان، با خانواده‌های ریشه دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان، که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلندنظرند، روابط نزدیک برقرار کن. آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند.»^۲ همچنین درباره صفات قضات می‌فرماید: «سپس از میان مردم، برترین افراد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان، آن‌ها را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر آنان را خشمناک نسازد، در اشتباهاتشان پافشاری نکنند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برایشان دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کنند، و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهند و در شبهات از همه با احتیاط‌تر عمل کنند، و در یافتن دلیل اصرارشان از همه بیشتر باشد، و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشوند و در کشف امور از همه شکیباتر، و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشند؛ کسانی که ستایش فراوان آنان را فریب ندهد، و چرب‌زبانی آنان را منحرف نسازد.»^۳ در مورد رفتار محبت‌آمیز و توأم با تلافی نسبت به تمام مردم و پیروان ادیان مختلف حضرت علی خطاب به کارگزار حکومتی خویش می‌گوید:

«ای مالک قلب خود را از محبت به مردم و لطف و رحمت نسبت به آنان لبریز کن و همچون حیوان درنده‌ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروهند؛ یا برادران دینی تو هستند و یا همانند تو در آفرینش»

^۱ نهج البلاغه، نامه 53

^۲ نهج البلاغه نامه 53

^۳ نهج البلاغه نامه 53

یا مسلمانند یا انسان‌های همانند تو و غیرمسلمان با هر دو گروه مهربان باش) و در همین فرمان به مالک اشتر می‌فرمایند:

«باید که دورترین افراد رعیت از تو و دشمن‌ترین آنان در نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران عیب‌جوی مردم است. زیرا در مردم عیب‌هایی است و والی از هر کس دیگر به پوشیدن آنها سزاوارتر است. از عیب‌های مردم آنچه از نظرت پنهان است؛ مخواه که آشکار شود؛ زیرا آنچه بر عهده‌توست، پاکیزه ساختن چیزهایی است که بر تو آشکار است و خداست که بر آنچه از نظرت پوشیده است داوری کند. تا توانی عیب‌های دیگران را بپوشان، تا خداوند عیب‌های تو را که خواهی از مردم مستور ماند بپوشاند.¹ این رفتار اخلاقی که امام حاکمان را ملزم به اجرای آن می‌دانند نیز آشکارا برای هر عقلی قابل درک است و بی‌نیاز از استدلال کردن است.

امام علی (علیه السلام) طی نامه‌ای به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، نوشت: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت، استبداد ورزی و بدون دستور، به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آن‌هایی تا به من بسپاری.» امام علی (علیه السلام) در تمام نامه‌ها، فرمانداران و استانداران خود را نسبت به حقوق اجتماعی مردم سفارش می‌کرد و از نظر اخلاق اجتماعی، مسئولان نظام را به مردم داری، ابراز محبت و لطف نسبت به رعیت و مردم، دستور می‌داد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه 53 به مالک اشتر می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.

ایشان در همان فرمان می‌فرمایند: " به کارهای آنان (کارگزاران) رسیدگی کن و از میان افراد با صداقت و وفادار مراقبانی بر آنها بگمار؛ زیرا مراقبت نهانی تو در کارهای ایشان، آنها را به رعایت امانت و خوشرفتاری با مردم وامی‌دارد و با دقت، مراقب دستیاران خویش باش و اگر یکی از آنان دست به خیانت گشود و گزارش‌های همه مراقبانت آن را تأیید کرد، به همان گزارش‌ها به عنوان شاهد اکتفا کن و بی‌درنگ او را کیفر جسمانی ده و از ثروتی که از طریق مقامش به دست آورده بازخواست کن و او را به خواری بکشان و داغ خیانت بر پیشانی‌ش بزن و حلقه ننگ تهمت را به گردنش بیاویز ."

از دیگر ویژگی‌های مهم که مورد سفارش امام علی (ع) می‌باشد مشورت و بهره‌گیری از تجربیات و افکار دیگران به عنوان یک اصل است. امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر دستور می‌دهد که با علما و حکیمان مشورت کرده و

¹ سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: نشر سنبله، 1386 ص 417

از مشورت با برخی از افراد پرهیز کند چنانکه آن حضرت فرمود: با بخیل مشورت نکن زیرا از بخشش و کمک به دیگران باز می‌دارند و از فقر می‌ترسانند. همچنین با افراد ترسو مشورت نکن زیرا آنها تو را از انجام کارهای مهم باز می‌دارند. و نیز با افراد حریص مشورت نکن که آنها برای جمع آوری ثروت و یا کسب مقام، ستمگری را در نظر تو نیک جلوه می‌دهند.

ویژگی دیگر کارگزاران امانت داری است لذا در حکومت از دیدگاه علی (علیه السلام) امانت الهی است که فلسفه وجودی آن برای اجرای قوانین الهی، برقراری عدالت، احقاق حق محرمان و ... است چنانکه آن حضرت فرمود: خدایا تو می‌دانی آنچه از ما در گرفتن زمام حکومت به دست واقع شد به خاطر رغبت در امر حکومت و سلطنت نبود، و نه برای به دست آوردن متاع دنیا، هدف این بود که دینت را زنده کنیم و بلاد تو را اصلاح نماییم تا بندگان مظلوم تو احساس امنیت کنند و حدود و قوانین تو را برپا سازیم.

آن حضرت درباره کارگزاران برتر نیز فرمود: برترین کارگزاران کسانی هستند که نام و خاطره‌اش به عدل یاد شود. کارگزاران جوامع اسلامی باید بدانند که رسیدگی به وضعیت محرومان و احقاق حق آنها یکی از وظایف مهم آنان است. سیاست‌گذاران باید سعی کنند که در جهت رفع تبعیض و بهبود توده مردم که معمولاً محرومان و پابرهنگان هستند، سیاست‌های اصولی و منطقی اتخاذ کنند که آنان ستون فقرات جامعه و پشتوانه محکم حکومت‌ها هستند.¹

■ اوصاف دولتمرد علوی: رویکرد سلبی

دقت در سیره و سخنان امام علی علیه السلام نشان می‌دهد که از منظر ایشان برخی صفات سلبیه که باید زمامدار مطلوب جامعه اسلامی از آنها بری و منزّه باشند نیز شناسه مطلوبی برای شناخت حق از باطل و زمامدار مطلوب و مطرود است.

یکی از مواقف مهم و گاه سرنوشت‌ساز در حوزه قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری نقض پیمان و استفاده از فریب و نیرنگ جهت نیل به مقصود است. در گفتار و کردار حضرت علی (ع) مشاهده می‌شود که ایشان استفاده از این روش‌های غیراخلاقی را برای نیل به هدف مشروع نیز به کار نمی‌بردند و استفاده از این روش‌ها را مجاز ندانسته و مستوجب عذاب آخرت می‌شمردند. در این راستا روایات صریحی وجود دارد که در نهج‌البلاغه و مصادر معتبر شیعه ذکر شده است. روایاتی که در ادامه می‌آید صریح و مربوط به حوزه قدرت سیاسی است.

امیرالمؤمنین (ع) در کوفه در ضمن ایراد خطبه فرمودند: «ای مردم اگر نبود بد بودن و ناپسند بودن پیمان‌شکنی و خیانت هر آینه من زیرک‌ترین مردم می‌بودم، ولی پیمان‌شکنان گنهکارند و گنهکاران نافرمان. به

¹ نهج البلاغه نامه 53

درستی که پیمان شکن و گنهکار (که پروایی در به کارگیری هر روشی برای نیل به هدف ندارد) و خیانت کار در آتش خواهند بود.^۱

در نهج البلاغه نیز ذکر شده که گروهی به امیرالمؤمنین در مقام اعتراض می گویند که ظاهراً معاویه از شما باهوش تر و باکیاست تر در سیاست و حکمرانی و پیشبرد اهداف سیاسی است و امام در پاسخ این گروه می فرماید: «به خدا سوگند معاویه از من زیرک تر نیست. او پیمان شکنی و گنهکاری (مکر و حيله) می کند. اگر پیمان شکنی ناپسند و نامطلوب نبود من زیرک ترین مردم می بودم! ولی پیمان شکنان گنهکارند و گناه کاران اهل فجور و نافرمانی. هر پیمان شکنی را روز قیامت پرچمی است که بدان شناخته می شود.^۲ بر همین اساس امیرالمؤمنین (ع) در فرمان حکومتی و سیاسی خود به مالک اشتر می فرماید:

«ای مالک اگر میان خود و دشمن پیمان دوستی بستی و امانش دادی به عهد و پیمان خویش وفادار باش و امانی را که داده ای نیک رعایت نمای. در برابر پیمانی که بسته ای و امانی که داده ای خود را سپر ساز، زیرا هیچ یک از واجبات الهی که مردم با وجود اختلاف در آراء و عقاید در آن همداستان و هم رأی هستند؛ بزرگ تر از وفای به عهد و پیمان نیست. حتی مشرکان هم وفای به عهد و پیمان را در میان خود لازم می شمردند، زیرا عواقب ناگوار غدر و پیمان شکنی را دریافته بودند. پس در آنچه بر عهده گرفته ای، خیانت مکن و پیمانت را مشکن و دشمنت را به پیمان فریب مده! زیرا تنها انسان های نادان و شقی در برابر خداوند دلیری و گستاخی می کنند. خداوند عهد و پیمان خود را به سبب رحمت و محبتی که بر بندگان خود دارد؛ امان قرار داده و آن را حریمی ساخته که مردم در سایه استوار آن زندگی کنند و به جوار آن پناه آورند. پس نه خیانت را جایی برای خودنمایی است و نه فریب و حيله گری را».^۳

آسیب های چون تجمل گرایی، رشوه پذیری، تملق و چاپلوسی، خشم و غضب و .. راهنمای مناسبی برای عصر حاضر است. زمامداران باید خود را از این آسیب ها دور نگه دارند زیرا، در صورت دچار شدن به این آسیب ها و آفات، زمینه برای تفرقه، و بسیاری از مشکلات در جامعه فراهم می شود. رهبران جامعه باید الگویی نیکو برای مردم باشند و در جهت تزکیه خود و خیرخواهی برای مردم بکوشند و با شناخت این آسیب ها و پرهیز از آنها خود و جامعه را از فساد در امان بدارند.^۴

^۱ حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱، ج ۱۸ ص ۵۲

^۲ سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: نشر سنبله، ۱۳۸۶ ص ۳۰۱

^۳ همان ص ۴۱۷

^۴ راضیه نظام محله "آسیب شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران از منظر نهج البلاغه" پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی ۱۳۹۳

یکی از محورهای اساسی سیاست و زمام‌داری علی (علیه السلام) از همان آغاز حکومت، پاک‌سازی حکومت از زمامداران منحرف دوره‌ی حکومت پیشین بود. یکی از این حاکمان، معاویه بن ابی‌سفیان بود. مخالفت علی (علیه السلام) با معاویه به سبب اختلاف‌های شخصی نبود، بلکه تضاد بین اسلام اصیل با جاهلیت و کفر؛ و اختلاف بین دو نوع طرز تفکر و دو نوع سیاست متفاوت امام و معاویه بود.

در نگاه معاویه قدرت و حکومت به مردم، اصالت دارد، او به حکومت نگاه سلطنتی داشته و نه خلافت به شیوه پیامبر؛ و نیز در نگاه سیاسی و مدیریتی او عرب بر عجم برتری داشته است. هم‌چنین در نظر معاویه برای رسیدن به قدرت و حفظ آن استفاده از هر وسیله‌ای جایز بود. روش‌هایی که معاویه در طول حکومت خود پیش گرفته بر اساس شرایط متفاوت و افراد مختلف، گوناگون است. ولی همه در راستای یک هدف (رسیدن به قدرت و حفظ آن) می‌باشد. از جمله روش‌های او می‌توان به: پنهان کردن حقیقت از مردم، دشنام دادن به امیرالمومنین (علیه السلام) در خطبه‌های رسمی حکومتی مانند خطبه‌های نماز جمعه برای بیزار کردن مردم از ایشان، تفرقه افکنی، پیمان شکنی، گرسنه نگه داشتن و در مضیقه و تنگنا قرار دادن مخالفان، تطمیع سران و نخبگان قوم، تبلیغات دروغین، مکر و فریب و تقدس مآبی و تظاهر به دینداری، اشاره کرد.¹

مؤلفه مهم دیگر در سیاست اخلاقی امام علی ضرورت پرهیز از کذب و وعده‌های کاذب است. ایشان در فرمان حکومتی خویش به مالک اشتر می‌فرمایند:

«ای مالک بپرهیز از این که وعده دهی و خلاف آن عمل کنی (و وعده کاذب دهی) زیرا خلف وعده سبب برانگیختن خشم خدا و مردم می‌شود. خدای تعالی می‌فرماید: «خداوند سخت به خشم می‌آید که چیزی بگویند و بجای نیاورید.» رفتار حضرت علی (ع) در این خصوص قبل و بعد از در اختیار گرفتن زمامداری مسلمانان یکسان بوده است. ایشان برای رسیدن به حکومتی که حق مسلم ایشان است؛ حتی از گفتن یک دروغ و وعده کذب در حضور پنج نفر خودداری می‌نمایند.

■ نتیجه‌گیری: کاربست اوصاف نخبه مطلوب در حکومت علوی در دوران ما

در نظام اسلامی، ابعاد اعتقادی و بینشی، دانشی و رفتاری همانند ایمان، اسلام شناسی عدالت و تقوا، تدبیر و کفایت در مهارت‌ها از جایگاه مهمی برخوردار است. بر این اساس در قانون اساسی ج.ا.ا، «ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر» است (اصول 5 و 109)، و «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر،

¹ فاطمه خدوردیلو " نقد دیدگاه‌ها و روش سیاسی معاویه از منظر امام علی (علیه السلام) کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم حدیث 1391

² سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: نشر سنبله، 1386 ص 417.

دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» (اصل 115) و رئیس قوه قضائیه نیز لازم است، «مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر» باشد (اصل 157) و سایر کارگزاران نیز لازم است حد نصابی از ویژگی‌ها و مهارت‌های فوق را بسته به جایگاه و نقش خود داشته باشند. افرادی که حاکم و مدیر ارشد در حکومت‌ها محسوب می‌شوند اگر مانند افراد عادی از اوصاف برابری هم بهره مند باشند در معرض خطر انحراف و فساد بیشتری قرار دارند و این از آن جا ناشی می‌شود که در اختیار داشتن امکانات وسیع، احتمال و توانایی سوء استفاده بیشتری را فراهم می‌کند. لذا جدا از اوصافی که نشانه شایستگی کارگزار بوده و می‌تواند ملاک گزینش وی نیز محسوب شود. ویژگی‌هایی نیز وجود دارد که اتصاف به آنها موجب می‌شود صاحب این اوصاف از اساس، صلاحیت عهده داری منصب اداری را نداشته و با عدم گزینش و یا عزل این افراد زمینه فساد از بین رفته یا به حداقل برسد.

نظام‌های سیاسی برای مصون ماندن از ناکارآمدی کارگزاران، درصدد یافتن سازوکاری بودند که به کمک آن، بتوان با نظارت بر کارگزار، نه فقط برای جلوگیری از فساد، بلکه به منظور هدایت او در کارآمد کردن دولت و نظام سیاسی و در راستای تأمین عدالت، رفاه و برابری اجتماعی اقدام نماید. بدیهی است که هر چه کارگزاران، فرهیخته تر، با تقواتر و با درایت تر بوده و سیستم نظارتی فعال‌تر و کارآمدتر باشد، دولت به سمت بهتر شدن حرکت کرده و برای دست یازیدن به آرمان‌های مطلوب، سرعت خواهد گرفت.

قانون محوری از مهمترین مؤلفه‌های کارآمد شدن کارگزار در تراز دولت مطلوب است. یعنی کارگزاران در مدیریت خود ضوابط را به جای روابط، برنامه‌مندی را به جای سلیق شخصی و کارشناسی را به جای کاردستوری جایگزین می‌نماید. قانون محوری یعنی حرکت کلی کارگزاران قوای سه گانه در چارچوب سیاست‌های کلان ابلاغی و برنامه‌های توسعه کشور باشد. قانون محوری یعنی پایبندی کارگزاران قوه مجریه به مصوبات قانونی مجلس و پرهیز از هرگونه اعمال نظر شخصی یا جناحی در مسائل ملی و بین المللی.

از منظر رهیافت سیستمی جامع نگر، نظام اسلامی زمانی در تحقق حیات طیبه کارآمد است که از حسن فاعلی و فعلی به صورت توأمان برخوردار باشد؛ یعنی کارگزاران آن افزون بر ایمان، اخلاص علم و تخصص و فقه سیاسی (یعنی زمان شناسی و وظیفه شناسی، هدف شناسی و جهت شناسی)، رفتار آنها نیز مطابق با ارزش‌ها و احکام اسلامی باشد. در این صورت خداوند وعده داده (سوره نور، آیه 55) که با نور هدایت، مغفرت، رزق کریم، پاداش دائمی، اصلاح امور و دور کردن خسارت‌ها، کارگزاران مؤمن و صالح را یاری و اعمال آنها را به نتیجه مطلوب و سر منزل مقصود و اهداف تعیین شده برسانند. یعنی کارآمدی به نظام اسلامی و کارگزاران آن عطا فرماید.

بی‌شک اندیشه‌ها و آموزه‌های علوی برای ادامه مسیر انقلاب اسلامی و به خصوص در گام دوم حایز اهمیت است؛ درس‌هایی همچون ساده زیستی، حفظ و صیانت از بیت المال، مبارزه جدی با اشرافی‌گری و تجمل و از این گونه

درس‌های ارزشمند است. رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر عمل به سیره نبوی و علوی تاکید داشته اند. ایشان در بیانات نوروزی سال 1396 در حرم رضوی علیه‌السلام، ضعف‌های موجود در کشور را «مربوط به کمبودها و ناتوانی‌های مدیرانی دانستند که در بخش‌های مختلف مشغول به کار بوده‌اند.» لذا برای حل همه مشکلات کشور به طور قاطع سه مولفه «تدین»، «انقلابی» و «کارآمدی» را برای مدیران مطرح نمودند. ایشان همه خواسته‌های ملی را اعم از امنیت و عزت ملی، سلامت و رفاه عمومی، نجات از آسیب‌های اجتماعی و پیشرفت همه جانبه را در گرو یک مقوله دانستند و آن هم تحقق اقتصاد قوی در کشور است. اقتصاد قوی مستلزم تولید قوی بوده و تولید قوی نیز مدیریت قوی (کارگزار) می‌طلبد تا از «نیروی انسانی»، «سرمایه» و «ابزار کار پیشرفته» موجود در کشور برای ارتقای تولید بهره گیرد.

ایشان ضمن برشمردن و مقایسه خدمات جمهوری اسلامی با طاغوت، با اشاره به ضعف‌های کشور، آنها را مربوط به حرکت عمومی نظام اسلامی ندانسته، بلکه به معضل سوء مدیریت کارگزار اشاره می‌کنند و مدیریت‌های بانشاط و با حال؛ مدیریت‌های علاقه‌مند، پُرانگیزه و قوی را یکی از الزامات حل مشکلات کشور می‌دانند؛

«بنده از ضعف‌های فعالیت‌های مسئولین کشور، از جمله خود این حقیر در سطح عموم ملت ایران و در طول سال‌ها، آگاهم؛ ضعف‌های زیادی وجود داشته که این مربوط به مدیریت‌های ما است، مربوط به حرکت عمومی نظام اسلامی نیست. ما هر جا یک مدیریت انقلابی فعال پُر تحرک داشتیم، کار پیش رفته است؛ هر جا مدیریت‌های ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی، و بی‌تحرک داشتیم؛ کارها یا متوقف مانده است، یا انحراف پیدا کرده است... من به‌طور قاطع عرض می‌کنم که اگر مدیریت در بخش‌های مختلف کشور، متدین باشد، انقلابی باشد و کارآمد باشد، همه‌ی مشکلات کشور حل خواهد شد؛ ما مشکل غیرقابل حلی در کشور نداریم.¹

«مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی‌ها و کارآمدی مسؤولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت.»²

«اصلح یعنی چه کسی؟ یعنی کسی که همین هدف‌ها [رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم، نه بخشی از مردم... و معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی] را دنبال کند؛ یعنی کسی که همین دردها را بداند و حس کند؛ یعنی کسی که برای ریشه کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد؛ یعنی کسی که به حال قشرهای محروم و مستضعف دل بسوزاند. اصلح کسی است که هم به ترقی

¹ . بیانات رهبر معظم انقلاب؛ 96/1/1

² بیانات رهبر معظم انقلاب؛ 1383/6/31

و پیشرفت کشور و توسعه اقتصادی و غیراقتصادی بیندیشد؛ هم زیر توهمات مربوط به توسعه، آنچنان محو و مات نشود که از یاد قشرهای مظلوم و ضعیف غافل بماند. اصلح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم و دنیا و آخرت مردم باشد.^۱

اما «امروز بحمد... جوانانی که آماده هستند برای اینکه نقش‌آفرینی کنند در بخش‌های مختلف اداره‌ی کشور، فراوانند؛ اینها را انقلاب تربیت کرده [است].^۲»

در جمع‌بندی می‌توان گفت در نظام اسلامی انتخاب مدیران و کارگزاران باید براساس ملاک و معیار صحیح و مناسب صورت پذیرد. اهل تجربه بودن، نجابت داشتن، از خانواده‌های ریشه دار و شایسته و از پیشتازان در پذیرش اسلام بودن، برتری اخلاقی، آبرومندی؛ حرص و طمع مادی کمتر داشتن، فرجام نگر بودن، خیرخواه خدا، پیامبر و امام بودن، پاک دامن ترین و بردبارترین افراد، اهل صداقت، وفاداری و جامع اخلاق نیکو بودن از جمله ملاک‌ها و معیارهای انتخاب مدیران و کارگزاران هستند که باید مورد توجه قرار گیرند.^۳ با حفظ مطلب مزبور، باید گفت: در طول مدت مدیریت و قبول مسئولیت، ممکن است انحرافات در مدیران و یا بدنه حکومت ایجاد شود. بنابراین، باید همواره مراقب مدیران و کارگزاران حکومت بود و با شیوه‌های گوناگون زمینه انحراف را از بین برد. و این مهم انجام نمی‌شود، مگر با نظارت دقیق. نظارت و بازرسی باید از طریق بازرسان آشکار، مخفی و پنهان (چه اینکه به طور رسمی کارمند سازمان بازرسی و نظارت باشند و یا اینکه کارمند معمولی باشند، اما در عین حال، به طور مخفی، کار نظارت و بازرسی را نیز انجام دهند و نظارت فراگیر مردمی انجام پذیرد. بازرسی و نظارت صادقانه و دقیق، به مسئولان ذی‌ربط امکان می‌دهد که نقاط ضعف و قوت نیروها و دستگاه‌های گوناگون نظام را به نیک‌شناسایی کنند و با اقدامات مناسب، در کاهش ضعف‌ها و افزایش جنبه‌های مثبت بکوشند. آنچه از تاریخ حکومت پنج ساله امیرمؤمنان (علیه السلام) به دست می‌آید گویای آن است که امام متقیان علی (علیه السلام) از محدود رهبرانی است که با دریافت گزارش‌ها و اطلاعات، با جدیت و سرعت، به تحلیل آن‌ها می‌پرداخت و پس از اطمینان از صحت و سقم قضایا، بی‌درنگ نتیجه‌گیری و اقدام می‌کرد.

به طور خلاصه می‌توان اصول حکومتی امام علی علیه السلام^۴ را که راهنمای بشریت تا آخرالزمان است را در

^۱ بیانات رهبر معظم انقلاب؛ 1384/2/17

^۲ بیانات رهبر معظم انقلاب؛ 96/5/12

^۳ <https://www.isna.ir/news/92041005432>

^۴ <https://www.tabnak.ir/fa/news/683908> بود چگونه بود (ع) چگونه بود

صداقت و راستگویی، حق محوری و باطل ستیزی، قانونگرایی، انضباط کاری، تشویق درستکار و تنبیه خلافکار
حسابرسی کارگزاران، مردم داری و مهرورزی، انتقاد پذیری، برابری در حقوق، توجه خاص به ضعفا و ستم دیدگان
و تامین مالی کارگزاران خلاصه کرد.

